

Sociological Study and Analysis of Intergenerational Changes in Educational and Religious Reference Groups: A Case Study of Kermanshah the City

Azim Shakari

PhD student in Sociology, Islamic Azad University, Ashtian Branch, Iran.
Azimshakari@yahoo.com

Omid Aliahmadi

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Ashtian Branch, Ashtian, Iran.
Omidaliahmadi@aiau.ac.ir

Ali Moradi

Associate Professor, Department of Sociology, West Islamabad Branch, Islamic Azad University, West Islamabad, Iran. moradi.pop@gmail.com

Ali Roshanaei

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Ashtian Branch, Ashtian, Iran. roshanaei@aiau.ac.ir

Abstract

This paper aims at sociologically studying and analyzing the intergenerational changes in educational and religious reference groups in Kermanshah the city. It was carried out through survey method and using a questionnaire. The statistical population of the study includes all the citizens of this city with an age range of 15 years or more and according to the 2017 census it was 855,523. On the basis of Cochran's formula and using cluster random sampling, 575 people were then selected as the sample and the statistical analyses were performed through SPSS software. Findings showed that the age, income, tendency towards modernity, change of religious rites and rituals, migration, and use of mass media had a significant relationship with the educational reference group. Also, the age, level of education, amount of income, change of religious rituals, and use of mass media had a significant relationship with the religious reference group. The results of regression analysis also showed that the two variables of religious rites and tendency towards modernity could explain 0.25 of the changes related to the religious reference group and 0.31 of the changes of the educational reference group.

Keywords: *intergenerational changes, educational reference groups, religious reference groups, mass media, the tendency towards modernity*

بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تغییرات بین نسلی گروه‌های مرجع آموزشی و دینی مطالعه موردی: شهر کرمانشاه^۱

عظیم شکری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان، ایران،
Azimshakari@yahoo.com

امید علی‌احمدی

نویسنده مسئول، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان،
Omidaliahmadi@aiau.ac.ir

علی مرادی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آبادغرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آبادغرب، ایران
moradi.pop@gmail.com

علی روشنایی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، آشتیان، ایران
roshanaei@aiau.ac.ir

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تغییرات بین نسلی گروه‌های مرجع آموزشی و دینی در شهر کرمانشاه است که با روش پیمایشی و استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل کل شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر کرمانشاه است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۸۵۵۵۲۳ نفر بوده است. از این جمعیت تعداد ۵۷۵ نفر بر اساس فرمول کوکران مشخص و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سن، میزان درآمد، گرایش به نوگرایی، تغییر مناسک دینی، مهاجرت و استفاده از رسانه‌های جمعی با گروه مرجع آموزشی دارای رابطه معنادار می‌باشند. همچنین سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد، تغییر مناسک دینی و استفاده از رسانه‌های جمعی با گروه مرجع دینی دارای رابطه معنادار می‌باشند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که دو متغیر مناسک دینی و گرایش

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/> است.

بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تغییرات بین نسلی گروه‌های مرجع آموزشی و دینی ۳۵

به نوگرایی توانسته‌اند ۰/۲۵ از تغییرات مربوط به گروه مرجع دینی و ۰/۳۱ از تغییرات گروه مرجع آموزشی را تبیین نمایند.

واژه‌های کلیدی: تغییرات بین نسلی، گروه‌های مرجع آموزشی، گروه‌های مرجع دینی، رسانه‌های جمعی، گرایش به نوگرایی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۴ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۰

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۳-۶۲

مقدمه

یکی از موضوعات مهم در حوزه جامعه‌شناسی، بررسی تحولات مربوط به گروه‌های مرجع است که به‌عنوان منبع اصلی هنجارها، نگرش‌ها و ارزش‌های شخصی شناخته می‌شوند و مبنا و معیار قضاوت و ارزیابی کنشگران اجتماعی قرار می‌گیرند. گروه‌های مرجع دو کارکرد عمده دارند: اولاً هنجارها، دستورالعمل‌ها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند و به‌اصطلاح کارکرد هنجاری دارند، ثانیاً استانداردها و معیارهایی در اختیار کنشگران قرار می‌دهند که کنش و نگرش خود را با آن محک می‌زنند و اصطلاحاً کارکرد مقایسه‌ای و تطبیقی دارند. اساساً به دلیل اینکه انسان‌ها در جامعه و در ارتباط با دیگران زندگی می‌کنند و نمی‌توانند با ملاک‌های عینی به صحت رفتارها یا باورهای خود یقین پیدا کنند، مقایسه با گروه‌های مرجع و ارجاع به آن‌ها راهی برای برون شدن از این معضل و بن‌بست است (صدیقی سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰)

تحولات ساختاری ایجادشده در جامعه ایران طی سال‌های اخیر در حوزه‌های جمعیتی، آموزشی، نظام ارتباطی و شهرنشینی در کنار دگرگونی در ویژگی‌های شخصیتی افراد جامعه به لحاظ نوگرایی، فردگرایی، سنت‌گرایی، عقل‌گرایی و غیره همگی موجب شده‌اند که نوعی تغییر در گروه‌های مرجع نسل جدید نسبت به نسل قبلی به وجود آید. این تغییرات در گروه‌های مرجع آموزشی و به‌ویژه دینی محسوس‌تر به نظر می‌رسد چنان‌که به‌دنبال زلزله ویرانگر کرمانشاه، تنی چند از چهره‌های ورزشی و هنری بودند که از مردم درخواست کردند تا کمک‌های نقدی خود را به حساب آن‌ها واریز کنند تا آنان به نمایندگی از مردم این پول‌ها را برای

زلزله‌زدگان صرف کنند. حجم نسبتاً بالای کمک‌های واریزشده به حساب این افراد (درقیاس با گروه‌های دینی و آموزشی) نشان از تغییر گروه‌های مرجع نسل جدید نسبت به نسل گذشته دارد.

بنابراین می‌توان گفت نسل نوجوان و جوان امروز، متفاوت از نسل قبل از خود است؛ گفتمان، سبک زندگی، ارزش‌ها و گروه‌های مرجع نسل جدید بسیار متنوع و متکثر است. نسل جدید؛ هنرپیشه‌ها، ورزشکاران، موسیقی‌دانان و غیره را به مراتب بیشتر از میراث فرهنگی و دینی خود می‌شناسند. تغییر گروه مرجع اعضای جامعه و به‌ویژه نسل جوان را می‌توان از روی تغییر ارزش‌ها و هنجارهای آنان و تقلید و شبیه‌سازی رفتارهای غربی مشاهده کرد. این پدیده که در سطحی‌ترین بُعد ممکن؛ یعنی تقلید از ارزش‌های جوامع غربی در سبک زندگی و درمقابل عدم نفوذ به لایه‌های دیگری از فرهنگ آن جوامع نظیر نظم، تلاش و پشتکار، سخت‌کوشی و غیره صورت می‌پذیرد، باید به‌عنوان معضلی مهم برای جامعه ایران تلقی کرد که می‌تواند پیامدهای نامطلوبی نظیر بحران‌های هویتی جوانان، کج‌روی‌های اجتماعی، کاهش پابندی‌های اجتماعی و شکل‌گیری گروه‌های نامأنوس با فرهنگ جامعه را به همراه داشته باشد. بنابراین، تحلیل و بررسی این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا با بازشناسی عوامل مؤثر بر این تغییر، در جهت اصلاح آن گام برداشته شود (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۵: ۱۸).

در این میان، ساکنان کلان‌شهر کرمانشاه خصوصاً جوانان نیز از این تغییرات عمده در عصر مدرن مصون نمانده‌اند و به دلایلی چون شرایط جنگ تحمیلی، زلزله، تحصیل و مهاجرت، رفت‌وآمد ساکنان استان‌های هم‌جوار در معرض تغییر و تحولات نسلی قرار گرفته‌اند. بنابراین این پژوهش با توجه به مباحث مطرح‌شده به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت گروه‌های مرجع دینی و آموزشی در بین سه نسل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، پدرها و مادرها و فرزندان در شهر کرمانشاه چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

کنعانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند بین ابژه‌های رسانه‌ای نسل‌ها تفاوت معنادار وجود دارد و می‌توان تقسیم‌بندی نسل‌ها را براساس رسانه موردعلاقه

هر نسل در نظام معرفتی آنها شناسایی کرد؛ زیرا هر نسل در انتخاب نوع رسانه خاص خود درگیر تجربه مشترک تاریخی است و به صورت انتخابی و فعال عمل می‌کند. ترکی و احمدی شکوه (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به این نتایج دست یافتند که متغیرهای دینداری، میزان کاربرد وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، پشتوانه فرهنگی و اقتصادی، میزان تحصیلات والدین و سن ارتباط معناداری با شکاف نسلی دارند.

ادهمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که میزان ترجیحات ارزشی افراد جوان و میانسال تفاوت معناداری با هم ندارند، اما میزان ترجیحات ارزشی افراد جوان و پیر و افراد میانسال و پیر با یکدیگر تفاوت معناداری دارد. همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و دینداری با ترجیحات ارزشی در دو نسل جوان و میانسال و بین متغیرهای سرمایه فرهنگی و ترجیحات ارزشی در نسل جوان و بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ترجیحات ارزشی در دو نسل جوان و پیر همبستگی معناداری وجود دارد.

حاتمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی روند تغییرات نگرشی نسل سوم در زمینه گروه‌های مرجع در دهه‌ی ۱۳۸۰» با مطالعه گروه مرجع مذهبی در سه پیمایش در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۵ به این نتایج رسیدند که روند اعتماد نسل جوان به روحانیون در این ۵ سال روند کاهشی داشته‌است. داده‌های این تحقیق نشان‌دهنده این مهم است که جوانان الگوهای رفتاری و فکری خود را بیشتر از معلمان و اساتید دانشگاه و ورزشکاران اقتباس کرده‌اند.

شیرین‌بیان و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و تجددگرایی از عوامل اصلی شکاف نسلی بین والدین و فرزندان در زمینه‌های ارزش‌های مادی (اقتصادی) و ارزش‌های غیرمادی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، سستی و دینی) هستند.

ملکی‌دوآبی (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان داد بین رسانه‌های جمعی، سرمایه فرهنگی، نگرش به جهانی شدن و گروه مرجع با نوگرایی ارتباط معنادار وجود دارد. این متغیرها ۴۳ درصد از واریانس نوگرایی را می‌توانند تبیین کنند.

اشتاینباخ و سیلوراستاین^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای «رابطه دین و همبستگی بین نسلی در آلمان شرقی و غربی» را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که داشتن یک فرقه مذهبی با قدرت روابط بین نسلی در آلمان ارتباط مثبتی دارد. با این حال، این ارتباط مثبت در بخش غربی مذهبی تر آلمان نسبت به بخش شرقی که بسیار سکولار است، قوی تر است. این نتایج بر اهمیت در نظر گرفتن زمینه اجتماعی و تاریخ سیاسی هنگام مطالعه نهادهای اصلی دین و خانواده تأکید می‌کنند.

جاکوب و کالتر^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی دینداری در میان کودکان مهاجر در چهار کشور اروپایی؛ انگلیس، آلمان، هلند و سوئد پرداختند. آن‌ها با استفاده از داده‌های دقیق و جامع از کودکان مهاجر در این چهار کشور اروپایی، پایداری قابل توجهی از تعصب مذهبی در بین خانواده‌های مهاجر مسلمان در مقایسه با خانواده‌های مهاجر مسیحی، که تعصب مذهبی آن‌ها طی نسل‌ها کاهش یافته بود، پیدا کردند.

رابرتس^۳ و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که گروه‌های مرجع و سایر افراد مهم در شکل‌گیری و تداوم یا تغییر الگوهای رفتاری هنجاری و انحرافی از اهمیت حیاتی برخوردار هستند. بنابراین باورها و رفتارهای مذهبی اولیه فرد (یا فقدان آن) نشان‌دهنده تأثیر اجتماعی شدن خانواده است. از دیدگاه آن‌ها اعتقادات مذهبی دانشجویان، با اعتقادات مذهبی و عملکرد والدین و دوستان رابطه مثبت دارد.

کولند^۴ (۱۹۹۴) در مقایسه تفاوت‌های فرهنگی بین نسل‌ها که روی سه نسل پدر و مادربزرگ‌ها، پدر و مادر و فرزندان‌شان انجام داده بود، به این نتیجه رسید که پدر و مادربزرگ‌ها و والدینی که سنین آن‌ها بین ۶۵ تا ۹۰ سال و ۴۰ تا ۶۰ سال است، اشتراک فرهنگی بیشتری با هم در مقایسه با نسل جوان ۲۰ تا ۳۰ سال دارند. به عقیده کولند، نسل‌های متوالی در مقایسه با نسل‌هایی که فاصله سنی

1. Steinbach & Silverstein

2. Jacob & Kalter

3. Roberts

4. Kolland

بیشتری نسبت به هم دارند، علایق فرهنگی بیشتری دارند. کولند همچنین یکی از علل تضاد در روابط درون‌نسلی را فردگرایی می‌داند. به عقیده وی فردگرایی باعث تضعیف استحکام بین‌نسلی می‌شود.

۳. مبانی نظری پژوهش

۱-۲. تغییرات نسلی

«تغییرات نسلی» مسئله مهمی در تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و در هر جامعه‌ای به تناسب تغییرات اجتناب‌ناپذیر اجتماعی و فرهنگی به وقوع می‌پیوندد (Lasiera, 2019: 959). به عقیده مانهایم، هر نسلی دارای تجربیات متفاوت از نسل قبل خود است (مثل کسانی که در یک دوره جنگ می‌کنند) هرچند در طبقات مختلف هستند و آگاهی‌های مختلفی دارند ولی رویکرد و موضع‌گیری مشترکی دارند که از تجربه مشترک آن نسل حاصل می‌شود. وی بین همزیست‌ها^۱ (آن‌هایی که در یک زمان زندگی می‌کنند) و هم‌زمان‌ها^۲ (آن‌هایی که هم‌سن هستند) تمایز قائل می‌شود. هم‌زمان‌ها، چیزی که او از آن تحت‌عنوان واحد نسلی^۳ یاد می‌کند، دارای ویژگی زیر هستند: دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی هستند. این موقعیت تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه ممکن باتوجه به شرایط است، مثلاً یک گروه سنی از افراد که دوره یک جنگ را سپری می‌کنند، سرنوشت و علاقه مشترک یا واحد براساس تجربه مشترک دارند. دارای هویت واحد براساس تجربه مشترک هستند (مانهایم، ۱۳۸۰: ۷۹).

به نظر مانهایم، ارزش‌های جدید فرآورده محتوم دو جریان تغییر اجتماعی کلان هستند: (۱) جریان ظهور نسل‌های جدید (۲) جریان توسعه و تحولات اجتماعی که مسائل پیش‌بینی‌نشده و جدیدی را درمقابل جریان‌های فکری حاکم قرار می‌دهد و درواقع، پارادایم جدیدی را برای تحلیل می‌طلبد. از نظر مانهایم، ارزش‌ها و تفکرات، متغیری وابسته و درعین‌حال مستقل به شمار می‌آیند. از

1. Coexistences

2. Contemporaries

3. Generation Unit

یک سو وابسته به شرایط اجتماعی و تاریخی دوره‌های متفاوت هستند و از سوی دیگر به‌عنوان متغیر مستقل امکان‌نوسازی و ارزش‌گذاری مجدد به رویه‌های فکر و عمل موجود و تولید سبک‌های زندگی جدیدتر را به‌صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌سازند و از این طریق راه تغییر اجتماعی را هموار می‌کنند. ما نهایتاً معتقد است که سنتز ارزش‌های قدیم و جدید در هر دوره، موجب تعارضات جدی نسلی می‌شود به‌طوری‌که سیستم آموزشی جدیدی نیاز است تا نسل‌های قبل را در برابر تغییرات فرهنگی تازه هم‌نوا سازد (Rempel, 1963: 55).

این‌گلهارت در کتاب خود «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» در مورد تفاوت نسلی، چهار فرضیه اساسی دارد که درباره امکان یا عدم‌امکان شکاف یا گسست نسلی سخن گفته‌است:

۱) فرضیه چرخه زندگی یا سالخوردگی: تفاوت نسل‌ها یا تفاوت ارزش‌های گروه‌های سنی مختلف، امری طبیعی و مربوط به اقتضائات روان‌شناختی هر دوره از زندگی است و تفاوت در ارزش‌ها به اقتضای شرایط سنی مربوط می‌شود.

۲) فرضیه دوره‌ای: تفاوت نسل‌ها به فرآیند تدریجی تغییر ارزش‌ها در همه گروه‌های سنی با کمی متفاوت از یکدیگر مربوط می‌شود و با انجام اصلاحات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و تغییر شرایط زیست، به تدریج در ارزش‌ها نیز تغییری حاصل می‌شود و افراد در مسیر تحولات ارزش‌ها، با توجه به دوری یا نزدیکی از آن، تغییر می‌کنند.

۳) فرضیه گروه سنی: تفاوت نسل‌ها ناشی از تفاوت ارزش‌های نسل جدید با ارزش‌های نسل قبل است که با ورود نسل جدید به عرصه حیات اجتماعی جامعه، ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های نسل قبل می‌شود.

۴) فرضیه ترکیبی: تفاوت نسل‌ها ناشی از چرخه زندگی، اقتضائات سنی و تغییرات بنیادی در ارزش‌های همه گروه‌های سنی با کمی تغییر از یکدیگر و نیز با تغییر در ارزش‌های نسل جدید، جایگزین ارزش‌های نسل‌های قبل می‌شود.

نظریه این‌گلهارت درخصوص دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابه‌جایی بلندمدت ارزش‌های مادی

به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۲۵). در دهه هشتاد اینگلهارت این ایده را مطرح می‌کند که در جوامع صنعتی مواجهه با نوعی دگرگونی ارزشی هستیم. گرایش نسبت به ارزش‌های فرامادی تقویت شده و نسل جدید به ارزش‌های فرامادی اولویت بیشتری می‌دهد. در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده می‌پردازد که عبارتند از: ۱- فرضیه کمیابی که بنا بر آن، اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اوست. ۲- فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده منعکس‌کننده شرایطی است که طی سال‌های قبل از بلوغش فراهم شده است. به نظر اینگلهارت، فرضیه کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد. دوره‌های رونق به افزایش فرامادی‌گرایی و دوره‌های کمیابی به مادی‌گرایی می‌انجامد. فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۶۲).

مک لوهان نیز معتقد است، زمانی که ما فناوری جدیدی را وارد جامعه‌ای می‌کنیم، آن جامعه را برای همیشه عوض کرده‌ایم و جوانان به دلیل نوگرایی و آمادگی برای پذیرش تازگی‌ها، بیشتر از افراد مسن که افکار و عقایدشان شکل گرفته، تحت تأثیر این تغییرات قرار می‌گیرند. یعنی جذب تغییراتی چون نحوه ارتباطات، مد، سیاست و الگوپذیری غیرفرهنگی می‌شوند. به طوری که این الگوپذیری که مغایر با ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی فرهنگ جامعه خودشان است، در آن‌ها موجب ایجاد بحران هویت و در نهایت منجر به بروز شکاف بین نسل‌ها می‌شود. اگر در گذشته روند جامعه‌پذیری عمدتاً توسط خانواده، مدرسه و نهادهایی انجام می‌شد که عناصری از نسل پیشین همچون پدر، مادر، معلم، واعظ و معتمد در این انتقال فرهنگی نقش ایفا می‌کردند، دسترسی گسترده به امکانات نوین تکنولوژیکی، نسل جدید را در جریان تحولات تازه‌ای قرار داده است؛ بدین ترتیب با تغییر مبانی ورود گزاره‌های ارزشی، نظام ارزشی این نسل نیز متفاوت از نسل پیشین شده است (کوزر، ۱۳۹۲: ۲۰۸).

برگر و لوکمان^۱ پدیده شکاف نسلی را در قالب پرورش اجتماعی ناموفق تبیین کرده‌اند و معتقدند این امر زمانی به ظهور می‌رسد که اختلاف‌هایی بین پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه وجود داشته باشد. به عقیده آن‌ها، خرده جهان‌هایی که در جریان پرورش اجتماعی ثانویه، درونی می‌شوند، عموماً واقعیت‌هایی هستند جزئی در مقابل «جهان پایه‌ای» که در پرورش اجتماعی اولیه تحصیل شده است (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷: ۱۸۹). برخی از بحران‌هایی که پس از پرورش اجتماعی اولیه روی می‌دهند، در واقع معلول پی بردن به این نکته است که دنیای والدین تنها دنیای موجود نیست، بلکه دارای موقعیت اجتماعی بسیار مشخصی است و شاید حتی مفهومی تحقیرآمیز نیز در آن نهفته باشد. امروزه با کثرت نهادهای جامعه پذیرکننده سروکار داریم که هر یک ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی خاصی را اشاعه می‌دهند. والدین، مدرسه و دانشگاه، صنعت فرهنگی (رادیو، تلویزیون، سینما، ماهواره، نشریات و...) نهادهایی هستند که هر یک این کارکرد (جامعه‌پذیری) را به صورت‌های مختلف انجام می‌دهند. بنابراین در چنین جامعه‌ای وحدت ارزشی از بین می‌رود و کثرت ارزشی جایگزین آن می‌شود. در جامعه‌ای که وحدت ارزشی از بین برود، انسان با گروه‌های مختلفی سروکار دارد که در هر یک از آن‌ها یک نوع ارزش خاصی حاکم است که گاه در گروه دیگر ارزش نیست و ارزش‌های رقیب بر پذیرش ارزش‌های والدین تأثیر دارد (ریتزر، ۱۳۸۲: ۷۱۲).

رایزمن تفاوت‌های نسلی ارزش‌ها را متأثر از رسانه‌ها می‌داند؛ از نظر او امروزه رسانه‌های جمعی توسعه پیدا کرده و موجب از بین رفتن مرزهای فیزیکی جوامع شده‌اند. مطابق نظریه رایزمن، در دوره‌ای از تاریخ، سنت‌ها حاکمیت داشتند و پیوند بین نسل‌ها با نسل‌های پیشین خود و از طریق سنت‌ها برقرار می‌شد، در حالی که امروزه در تاریخ زندگی بشر، دوره‌ای حاکم شده که دوره حاکمیت قوی رسانه‌های ارتباط جمعی است. در یک جامعه در حال گذار، معمولاً جوانان ارزش‌های سنتی را تغییر می‌دهند. در این دوره، جوانان با تأثیرپذیری از رسانه‌ها ارزش‌های پیشین خود را کنار گذاشته و ارزش‌های جدید را جایگزین آن‌ها می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۵۳).

۲-۲. گروه‌های مرجع

مفهوم گروه مرجع را اولین بار هیمن در سال ۱۹۴۲ به کار برد. او در مقدمه کتابی که همراه با سینگر تحت عنوان مطالعاتی درباره نظریه گروه مرجع تدوین کرد، آورده است: انسان‌ها در شکل‌دهی به نگرش‌های خود بیش از آنکه به خود متکی باشند، به گروه‌هایی که با آنان در ارتباط‌اند، تکیه دارند (Hyman & Singer, 1968: 4). از نظر مرتن، گروه مرجع، گروهی است که ما معیارهای لازم را برای سنجش رفتارهای خود و دیگران از آن گروه کسب می‌کنیم؛ گروهی که فرد، ارزش‌ها و معیارهای آنان را به منزله چارچوب‌های مقایسه‌ای مرجع در فرآیندهای ارزشیابی و خودسنجی به کار می‌بندد (Merton, 1968: 283). از دیدگاه ترنر، اصطلاح گروه مرجع به یک وضعیت دسته‌جمعی اشاره دارد که افراد نه تنها آن را برای ارزیابی موقعیت‌شان به کار می‌برند (یک گروه مقایسه‌ای) بلکه هنجارها و الگوهای رفتاری را از آن‌ها اخذ می‌کنند (گروه‌های هنجاری) (Turner, 2006: 500). اساساً به دلیل اینکه انسان‌ها در جامعه و در ارتباط با دیگران زندگی می‌کنند و نمی‌توانند با ملاک‌های عینی به صحت رفتارها یا باورهای خود یقین پیدا کنند، مقایسه با گروه‌های مرجع و ارجاع به آن‌ها راهی برای برون‌شدن از این معضل و بن‌بست است. این ارجاع حتی اگر خودآگاهانه نباشد، نقش انکارناپذیر و بسزایی در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای اعضای جامعه ایفا می‌کند (Kuper, 2013: 723).

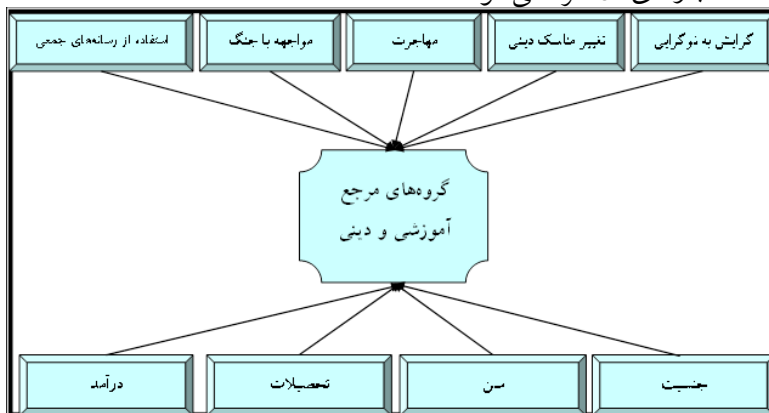
نیوکمب، اولین کسی است که به صورت تجربی، تأثیرات گروه‌های مرجع را مورد بررسی قرار داده است. او نقش گروه‌های مرجع را در شکل‌گیری دریافت‌ها و تغییر نگرش‌های افراد مهم و تعیین‌کننده می‌داند و بر جنبه‌های هنجاری این گروه‌ها تأکید می‌کند. وی دو مفهوم جدید نیز درباره گروه‌های مرجع عرضه کرده است: گروه مرجع مثبت و گروه مرجع منفی. گروه مرجع مثبت، گروهی است که فرد تمایل به حضور و عضویت در آن دارد و نگرش‌ها و رفتارهای جاری در آن را مطلوب می‌انگارد. مرجع منفی، درمقابل گروهی است که جاذبه‌ای برای فرد ندارد و سعی می‌کند که خود را از آن دور نگه دارد و از هنجارها و رویه‌های حاکم در آن تبری جوید (Newcomb, 1958: 268).

بحث مید درباره «دیگری تعمیم‌یافته» حوزه نظری دیگری است که ارتباط نزدیکی با بحث گروه مرجع دارد. به اعتقاد او، فرد گروه اجتماعی خودش را به‌عنوان یک مجموعه سازمان‌یافته از گرایش‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و هدف‌هایی که به رفتار او و دیگری شکل می‌دهد، فرض می‌کند. «فرآیند اجتماعی از راه دیگری تعمیم‌یافته بر رفتار گروه تأثیر می‌گذارد، زیرا از این راه است که فرآیند اجتماعی یا گروه، به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در ذهن فرد نفوذ می‌کند» (دوچ و کراوس، ۱۳۷۴: ۲۰۲). مید در ساخت (خود) به دو عامل I (من فردی) و me (من اجتماعی) اشاره می‌کند و هویت کنش‌گر را برآوردی از این دو عنصر می‌داند. از نظر مید، شخص برای ارزیابی خود، هنجارها یا ارزش‌هایی از دیگران مهم یا تعمیم‌یافته را درونی و سپس با این توانایی، شروع به ارزیابی از خودش می‌کند (دوچ و کراوس، ۱۳۹۵: ۲۰۵).

۳. چارچوب نظری پژوهش

در این مطالعه چارچوب نظری برگرفته از رویکرد تلفیقی است که از مجموعه‌ای از نظریه‌ها اخذ شده‌است. برای نسل از نظریات مانهایم، اینگلهارت، مک لوهان، برگر و لوکمان و رابزمن و برای گروه‌های مرجع از نظریات هیمن، نیوکمب، مید و مرتن استفاده شده‌است. به‌نظر مانهایم، همیشه نسل‌های جدید، آغازگر خودخواهی ریشه‌ای و متمایز از نسل‌های پیشین نیستند؛ بلکه برعکس پدیده گسست نسلی عمدتاً در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود. اینگلهارت معتقد است که وجه تمایز مردم جوامع مختلف نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های اصلی و پایدار آنان است، به بیان دیگر فرهنگ آنان با هم تفاوت دارد. در چند دهه گذشته، تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی و اجتماعی - سیاسی، فرهنگ‌های جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته‌است. این تغییرات از جنبه‌های مختلف زندگی تا بدان حد بوده که می‌توان اظهار داشت که در مقام کشورهای پیشرفته صنعتی خواست مردم از زندگی تغییر کرده است. وی در مورد تفاوت نسلی چهار فرضیه اساسی دارد: ۱- فرضیه چرخه زندگی یا سالخوردگی ۲- فرضیه دوره‌ای ۳- فرضیه سنی ۴- فرضیه ترکیبی. نظریه گروه مرجع مرتن در سنت جامعه‌شناسی کارکردی قرار دارد. براساس مکتب کارکردی، وجود و بقای یک نهاد یا ساخت اجتماعی، معلول استعداد و نقش

آن در تأمین کارکردهایی است که نیازهای ضروری نظام اجتماعی را تأمین و بقا و دوام آن را تضمین می‌کند. یکی از مهم‌ترین این ضرورت‌ها، جامعه‌پذیری به معنای انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است. این فرآیند، توسط نهادهایی از قبیل خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، دوستان و... به اجرا در می‌آید. گروه مرجع نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد، زیرا گروه‌های مرجع در نهایت متولی انتقال برخی هنجارها (گروه‌های مرجع هنجاری) و تأمین ملاک‌ها و معیارهای لازم برای ارزیابی و محک‌زدن رفتارها و باورهای افراد هستند (گروه‌های مرجع تطبیقی). نظریه گروه مرجع، اذعان می‌دارد که از نظر اجتماعی افراد تحت تأثیر گروه‌هایی قرار می‌گیرند که به گمان آن‌ها اهمیت زیادی دارند. آن‌ها گروه‌های مشخصی را به‌عنوان راهنما و الگوی رفتار خود انتخاب می‌کنند (گروه‌های مرجع هنجاری). افراد گروه‌هایی را به‌عنوان مبنایی برای مقایسه خود با دیگر افراد و گروه‌ها در نظر می‌گیرند (گروه‌های مرجع تطبیقی). افراد غالباً بیش از یک گروه را به‌عنوان گروه مرجع خود انتخاب می‌کنند (گروه‌های مرجع چندگانه). گروه‌های مشخصی که به‌عنوان مبنای مقایسه و مراجعه توسط افراد انتخاب می‌شوند، قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بر گرایش‌ها و رفتارهای آن‌ها را دارند، حتی در صورتی که عضو آن‌ها نباشند (Dawson & Chatman, 2001). مرتن گروه‌های مرجع را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم کرد. منظور وی از گروه‌های مرجع مثبت، گروه‌هایی است که هنجارهای آن‌ها پذیرفته می‌شود و گروه مرجع منفی، گروه‌هایی است که هنجارهای آن طرد می‌شود.



مدل ۱. مدل تحلیلی پژوهش

۴. فرضیه‌های تحقیق

گروه‌های مرجع دینی در بین سه نسل شهروندان کرمانشاهی با هم متفاوت است. گروه‌های مرجع آموزشی در بین سه نسل شهروندان کرمانشاهی با هم متفاوت است.

بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنسیت، تحصیلات، درآمد) و گروه‌های مرجع آموزشی و دینی، رابطه معنادار وجود دارد.

بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و گروه‌های مرجع آموزشی و دینی، رابطه معنادار وجود دارد.

بین گرایش به نوگرایی و گروه‌های مرجع آموزشی و دینی، رابطه معنادار وجود دارد.

بین تغییر مناسک دینی و گروه‌های مرجع آموزشی و دینی، رابطه معنادار وجود دارد.

وضعیت مواجهه با جنگ بر گروه‌های مرجع آموزشی و دینی تأثیر معنادار دارد.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش پیمایش استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را تمام شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر کرمانشاه تشکیل می‌دهند که مطابق آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد ۸۵۵۵۲۳ نفر است که این تعداد در سه نسل جوان، میانسال و مسن طبقه‌بندی شدند. به تفکیک حجم نمونه جمعیت نسل جوان ۱۹-۲۵ ساله ۲۸۳۶۲۸ نفر، نسل میانسال ۳۰-۵۴ ساله ۴۱۷۷۰۵ نفر و نسل مسن ۵۵ سال به بالا ۱۵۴۱۹۰ نفر هستند. نسل اول پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، نسل دوم پدرها و مادرها و نسل سوم بچه‌های دبیرستانی (دختر و پسر) در نظر گرفته شدند. در این پژوهش نمونه‌گیری به شیوه تصادفی خوشه‌ای انجام شد. با توجه به اینکه جمعیت موردمطالعه در این پژوهش همگن نبود، به ناچار باید در ابتدا جامعه آماری تقسیم و از درون هر قسمت نمونه‌ای مناسب انتخاب شود. بدین طریق که در هر منطقه، نشانی خیابان‌ها مشخص شده و سپس از بین آن‌ها نمونه‌گیری صورت گرفت. در هر خیابان نیز از بلوک‌ها به شیوه نمونه‌گیری

تصادفی نظام مند و از بین خانه‌ها و افراد خانه نمونه‌گیری تصادفی ساده به عمل آمد. حجم نمونه در این تحقیق، براساس فرمول کوکران برابر با ۵۷۵ نفر است. باتوجه به اینکه جامعه آماری ناهمگن بودند، برای دقت بیشتر، احتمال درصد صحت ۲/۴۰ در نظر گرفته شد و بنابراین تعداد نمونه ۵۷۵ به دست آمد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(2/40)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{855523} \left(\frac{(2/40)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 575$$

در این پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه توأم با مصاحبه انجام می‌گیرد. در این پژوهش احتمالاً تعدادی از کارکنان در سطح تحصیلات زیردیپلم قرار داشته باشند و این احتمال می‌رود که نتوانند به برخی سؤالات پاسخ دهند و یا برخی سؤالات برای این پاسخگویان مبهم یا غیرقابل فهم باشد، لذا از پرسش‌نامه توأم با مصاحبه استفاده به عمل می‌آید. در پژوهش حاضر، برای پایایی ابزار پژوهش از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این جدول، مقادیر آلفای کرونباخ برای اکثر متغیرها بیشتر از ۰/۷ بوده و بنابراین پایا بودن ابزار اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۱. قاعده کیزر و آزمون بارتلت

متغیر	متغیر/ مؤلفه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
گروه مرجع دینی	۹	۰/۸۸	
گروه مرجع آموزشی	۹	۰/۸۲	
میزان فعالیت‌های دینی	۴	۰/۷۰	
میزان گرایش به نوگرایی	۵	۰/۶۵	
میزان دسترسی به آموزش	۴	۰/۷۱	

۶. یافته‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش حاصل استخراج پرسش‌نامه‌هایی است که توسط ۴۷۰ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال شهر کرمانشاه تکمیل شد و اساس تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج توصیفی این مطالعه نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۳۷/۱۷ است. از لحاظ جنسیت، ۶۱/۸ درصد پاسخگویان را مردان و ۳۸/۱ درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. از لحاظ سطح تحصیلات، ۴/۷ درصد افراد زیردیپلم، ۱۱/۹ درصد دیپلم، ۸/۴ درصد فوق‌دیپلم، ۴۴/۴ درصد لیسانس و ۲۶/۵ درصد

فوق‌لیسانس بودند و از لحاظ وضعیت درآمد نیز، یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میانگین میزان درآمد ماهیانه افراد برابر ۵۲۰۰۰۰۰ تومان است.

جدول ۲، ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و گروه‌های مرجع دینی و آموزشی را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که تحصیلات پاسخگویان با گروه مرجع آموزشی با مقدار ($r=0/073$) همبستگی معناداری ندارد. از این نتیجه چنین تفسیر می‌شود که افزایش تحصیلات، تأثیری در تغییرات گروه مرجع آموزشی ندارد. از طرف دیگر، تحصیلات با گروه مرجع دینی ($r=0/229$) رابطه معنادار دارد؛ به این معنا که با افزایش تحصیلات، تغییرات نسلی در گروه مرجع دینی بیشتر می‌شود. یکی از متغیرهای مؤثر در تغییرات گروه‌های مرجع آموزشی و دینی، گرایش افراد به نوگرایی است که با مقدار ($r=0/112$) با گروه مرجع آموزشی و با مقدار ($r=-0/015$) با گروه مرجع دینی ارتباط معنادار دارد. گرایش افراد به نوگرایی منجر به تغییر و تعویض گروه‌های مرجع آموزشی و دینی می‌شود و هر اندازه این تمایل به نوگرایی بیشتر باشد، این تغییرات نیز بالاتر می‌رود. تغییر مناسب دینی افراد با تغییر در گروه مرجع آموزشی ($r=0/230$) و تغییر در گروه مرجع دینی ($r=0/557$) همراه است. وقتی ارزش‌های اجتماعی در یک جامعه برای افراد و در ذهن افراد تغییر پیدا می‌کند، افراد گروه‌های مرجع دینی و آموزشی خود را نیز جابه‌جا می‌کنند. براساس داده‌های جدول مهاجرت با گروه مرجع آموزشی با مقدار ($r=0/783$) همبستگی قوی و معنادار دارد؛ به این معنا که با مهاجرت، گروه‌های مرجع آموزشی افراد نیز تغییر می‌کند. این نتیجه با پدیده مهاجرت قابل انتظار است چراکه زمانی که افراد نقل مکان می‌کنند، ممکن است در مکان جدید با گروه‌های مرجع آموزشی دیگری روبه‌رو شوند و آن‌ها را به‌عنوان گروه مرجع خود انتخاب کنند. براساس نتایج پژوهش، مهاجرت با گروه مرجع دینی با مقدار ($r=0/126$) همبستگی معناداری ندارد به این معنا که افراد با مهاجرت، گروه مرجع دینی خود را تغییر نمی‌دهند که این مسئله ممکن است با اعتقادات دینی افراد مرتبط باشد. سن پاسخگویان با گروه‌های مرجع آموزشی با مقدار ($r=0/086$) و گروه‌های مرجع آموزشی با مقدار همبستگی ($r=0/126$) دارای رابطه معنادار است به این معنا که با افزایش سن افراد، گروه‌های مرجع آموزشی و دینی آن‌ها نیز تغییر می‌کند که این

مسئله می تواند به دلیل تغییر نسل ها یا همان شکاف نسلی باشد. میزان درآمد با گروه مرجع آموزشی با مقدار ($t=0/972$) دارای رابطه معنادار است به این معنا که هرچه میزان درآمد افراد بیشتر باشد، گروه مرجع آموزشی آن ها نیز تغییر می کند که این نتیجه نیز طبیعی است چراکه با افزایش میزان درآمد، امکانات بیشتری در زمینه آموزشی برای افراد مهیاست که این مسئله می تواند باعث تغییر گروه مرجع آن ها شود. در نهایت میزان استفاده از رسانه های جمعی با مقدار همبستگی ($t=0/198$) با گروه مرجع آموزشی دارای رابطه معنادار است به این معنا که هرچه میزان استفاده پاسخگویان از رسانه های جمعی بیشتر باشد، گروه مرجع آموزشی آن ها نیز تغییر می کند.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و گروه های مرجع

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
میزان تحصیلات	گروه مرجع آموزشی	۰/۰۷۳	۰/۰۹۸	رد فرضیه	مستقیم
	گروه مرجع دینی	۰/۲۲۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	مستقیم
گرایش به نوگرایی	گروه مرجع آموزشی	۰/۱۱۲	۰/۰۱۱	تأیید فرضیه	مستقیم
	گروه مرجع دینی	-۰/۰۱۵	۰/۷۲۹	رد فرضیه	معکوس
تغییر مناسک دینی	گروه مرجع آموزشی	۰/۲۲۰	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	مستقیم
	گروه مرجع دینی	۰/۵۵۷	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	مستقیم
مهاجرت	گروه مرجع آموزشی	۰/۷۸۳	۰/۰۳۷	تأیید فرضیه	مستقیم
	گروه مرجع دینی	۰/۱۲۶	۰/۸۱۲	رد فرضیه	مستقیم
سن	گروه مرجع آموزشی	۰/۰۸۶	۰/۰۴۹	تأیید فرضیه	مستقیم
	گروه مرجع دینی	۰/۰۸۸	۰/۰۴۱	تأیید فرضیه	مستقیم
میزان درآمد	گروه مرجع آموزشی	۰/۹۷۲	۰/۰۲۸	تأیید فرضیه	مستقیم
	گروه مرجع دینی	۰/۲۷۱	۰/۶۵۹	رد فرضیه	مستقیم
استفاده از رسانه های جمعی	گروه مرجع آموزشی	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	مستقیم
	گروه مرجع دینی	۰/۰۳۰	۰/۶۱۳	تأیید فرضیه	مستقیم

جدول ۳، میانگین و انحراف معیار گروه مرجع دینی و آموزشی در گروه زنان و مردان را نشان می دهد. برای گروه مرجع دینی، میانگین نمره گروه زنان برابر ۲۱/۷۲ و میانگین گروه مردان برابر ۲۳/۴۶ است. نتایج حاصل از آزمون تی نشان می دهد که میانگین گروه ها با هم تفاوت معنادار داشته و اختلاف میانگین ها برابر ۱/۷۴ است. براین اساس می توان گفت فرض H_0 رد و H_1 مورد تأیید و در نتیجه قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را دارد. برای گروه مرجع آموزشی، میانگین نمره گروه زنان برابر ۲۵/۳۶ و میانگین گروه مردان برابر ۲۴/۳۶ است. نتایج

حاصل از آزمون تی نشان می‌دهد که میانگین گروه‌ها با هم تفاوت معنادار داشته و اختلاف میانگین‌ها برابر $0/631$ است. براین اساس می‌توان گفت فرض H_0 تایید و H_1 رد و در نتیجه این فرضیه قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را ندارد.

جدول ۳. میانگین و انحراف گروه مرجع دینی و آموزشی در گروه مردان و زنان

متغیر	گروه‌ها	میانگین نمرات	انحراف معیار	آزمون لیون		معنی‌داری آزمون T
				مقدار F	مقدار	
گروه مرجع دینی	مردان	۲۳/۴۶	۶/۴۳	۳/۰۶۳	۳/۰۹۳	۰/۰۰۲
	زنان	۲۱/۷۲	۵/۷۹			
گروه مرجع آموزشی	زنان	۲۵/۳۶	۷/۷۳	۱/۴۳	۰/۲۳۱	۰/۱۴۰
	مردان	۲۴/۳۶	۷/۳۸			

جدول ۴، میانگین و انحراف معیار گروه مرجع دینی و آموزشی در گروه افرادی که مهاجرت کردند و آن‌هایی را که مهاجرت نکردند، نشان می‌دهد. برای گروه مرجع دینی، میانگین نمره گروه مهاجران برابر $22/20$ و میانگین گروه غیرمهاجران برابر $22/85$ است. نتایج حاصل از آزمون تی نشان می‌دهد که میانگین گروه‌ها با هم تفاوت معنادار داشته و اختلاف میانگین‌ها برابر $1/65$ است. براین اساس می‌توان گفت فرض H_0 تایید و H_1 رد و در نتیجه قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را ندارد. برای گروه مرجع آموزشی نیز میانگین نمره گروه مهاجران برابر $24/24$ و میانگین گروه غیرمهاجران برابر $25/14$ است. نتایج حاصل از آزمون تی نشان می‌دهد که میانگین گروه‌ها با هم تفاوت معنادار داشته و اختلاف میانگین‌ها برابر $0/896$ است. براین اساس می‌توان گفت فرض H_0 تایید و H_1 رد و در نتیجه قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را ندارد.

جدول ۴. میانگین و انحراف گروه مرجع دینی در گروه مهاجر و غیرمهاجر

متغیر	گروه‌ها	میانگین نمرات	انحراف معیار	آزمون لیون		معنی‌داری آزمون T
				مقدار F	مقدار	
گروه مرجع دینی	مهاجر	۲۲/۲۰	۵/۹۳	۰/۲۸۱	۰/۵۹۷	۰/۳۲۴
	غیرمهاجر	۲۲/۸۵	۶/۴۶			
گروه مرجع آموزشی	مهاجر	۲۴/۲۴	۶/۹۴	۲/۳۷۱	۰/۱۲۵	۰/۳۲۴
	غیرمهاجر	۲۵/۱۴	۷/۷۱			

جدول ۵، میانگین و انحراف معیار گروه مرجع دینی و آموزشی در گروه افرادی

که تجربه جنگ داشتند و آنهایی را که تجربه جنگ نداشتند، نشان می‌دهد. برای گروه مرجع دینی، میانگین نمره گروهی که تجربه جنگ داشته برابر $23/09$ و میانگین گروهی که تجربه جنگ نداشته برابر $22/76$ است. نتایج حاصل از آزمون تی نشان می‌دهد که میانگین گروه‌ها با هم تفاوت معنادار داشته و اختلاف میانگین‌ها برابر $0/333$ است. براین اساس می‌توان گفت فرض H_0 مورد تأیید است و H_1 رد می‌شود و در نتیجه قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را ندارد. برای گروه مرجع آموزشی میانگین نمره گروهی که تجربه جنگ داشته برابر $24/21$ و میانگین گروهی که تجربه جنگ نداشته برابر $25/28$ است. نتایج حاصل از آزمون تی نشان می‌دهد که میانگین گروه‌ها با هم تفاوت معنادار داشته و اختلاف میانگین‌ها برابر $1/07$ است. براین اساس می‌توان گفت فرض H_0 مورد تأیید است و H_1 رد می‌شود و در نتیجه قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را ندارد.

جدول ۵. میانگین و انحراف گروه مرجع دینی در گروه داشتن تجربه جنگ و عدم داشتن تجربه جنگ

متغیر	گروه‌ها	میانگین نمرات	انحراف معیار	آزمون لیون		معنی‌داری آزمون T
				مقدار F	مقدار	
گروه مرجع دینی	داشتن تجربه جنگ	$23/09$	$6/79$	$4/772$	$0/29$	$0/589$
	عدم‌داشتن تجربه جنگ	$22/76$	$6/79$			
گروه مرجع آموزشی	داشتن تجربه جنگ	$24/21$	$7/59$	$22/75$	$0/00$	$0/146$
	عدم‌داشتن تجربه جنگ	$25/28$	$6/54$			

۶-۱. رگرسیون چندگانه

تحلیل رگرسیون به صورت گسترده برای پیش‌بینی و شناخت ارتباط میان متغیر مستقل و وابسته و شکل این روابط استفاده شده است. اولین معادله رگرسیونی مربوط به گروه مرجع دینی است. مهم‌ترین پیش‌فرض‌های رگرسیون که در این مدل به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفتند: نتایج حاصل از آزمون دوربین واتسون با مقدار $1/61$ نشان می‌دهد که باقیمانده‌های هم‌جوار به هم ارتباط ندارند و مقادیر مستقل از هم هستند و این پیش‌فرض برای رگرسیون مورد قبول است. شاخص تحمل و عامل تورم واریانس به ترتیب با مقادیر $0/849$ و $1/187$ مورد تأیید هستند. مقدار شاخص تحمل به سمت یک نزدیک بوده و مورد قبول است. شاخص تحمل

که بین صفر تا یک است؛ به سمت یک میل دارد و این نشان می‌دهد که عامل تورم واریانس در اینجا نسبتی از تغییرات متغیر مستقل است که به وسیله سایر متغیرهای مستقل مدل رگرسیون خطی تبیین نمی‌شود. نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهند اولین متغیری که وارد معادله رگرسیونی شده است، میزان تغییر مناسک دینی است. مقدار T برای این متغیر برابر (T= ۶/۶۴۸) و ضریب معنی‌داری (Sig.T=۰/۰۰۰) است. متغیر دیگری که وارد معادله شده است، میزان گرایش به نوگرایی است. مقدار T برای این متغیر برابر (T= ۲/۷۵۴) است که با خطای (Sig.T= ۰/۰۰۶) مورد پذیرش است. با ورود این متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۲۵۰$ به دست آمد. این دو متغیر روی هم رفته توانسته‌اند ۰/۲۵۰ درصد از تغییرات درونی متغیر وابسته یعنی مرجعیت دین را تبیین کنند.

جدول ۶. رگرسیون چندگانه و آماره‌های مرتبط با آن برای مرجعیت دین

معناداری Sig.	آزمون t	ضریب معیار شده Beta	ضریب معیار نشده		متغیر پیش‌بین	وابسته
			خطای معیار	B		
۰/۰۰۰	۶/۶۴۸	۰/۴۰۹	۰/۰۸	۰/۵۴۶	تغییر مناسک دینی	گروه مرجع دینی
۰/۰۰۶	۲/۷۵۴	۰/۱۷۰	۰/۰۵	۰/۱۵۳	گرایش به نوگرایی	
مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی و برازش رگرسیون چندگانه						
مقدار	معادل لاتین	نام شاخص	مقدار	معادل لاتین	نام شاخص	
۱۱/۰۱	Constant	مقدار ثابت	۳۸/۸۷	F	تحلیل واریانس	
۱/۶۱۳	Durbin-Watson	دوربین واتسون	۰/۰۰۰	Sig. F	معناداری واریانس	
۰/۲۵۰	R-Square	ضریب تعیین	۰/۵۰	R	همبستگی پیرسون	
۱/۱۸۷	VIF	شاخص عامل تورم واریانس	۰/۸۴۹	Tolerance	شاخص تحمل	

دومین معادله رگرسیونی مربوط به گروه مرجع آموزشی است. نتایج حاصل از آزمون دوربین واتسون با مقدار ۱/۶۰۷ نشان می‌دهد که باقیمانده‌های هم‌جوار به هم ارتباط ندارند و مقادیر مستقل از هم هستند و این پیش‌فرض برای رگرسیون مورد قبول است. شاخص تحمل و عامل تورم واریانس به ترتیب با مقادیر ۰/۸۸۴ و ۱/۱۳۱ مورد تأیید هستند. مقدار شاخص تحمل به سمت یک نزدیک بوده و مورد قبول است. شاخص تحمل که بین صفر تا یک است؛ به سمت یک میل دارد و این نشان می‌دهد که عامل تورم واریانس در اینجا نسبتی از تغییرات متغیر مستقل است که به وسیله سایر متغیرهای مستقل مدل رگرسیون خطی تبیین

نمی‌شود. نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهند اولین متغیری که وارد معادله رگرسیونی شده است، گرایش به نوگرایی است. مقدار T برای این متغیر برابر $(T= ۸/۰۵)$ و ضریب معنی‌داری $(Sig.T=۰/۰۰۰)$ است. متغیر دیگری که وارد معادله شده است، میزان تغییر مناسک دینی است. مقدار T برای این متغیر برابر $(T= ۳/۴۵)$ است که با خطای $(Sig.T= ۰/۰۰۱)$ مورد پذیرش است. با ورود این متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۱۷$ به دست آمد. این دو متغیر روی هم رفته توانسته‌اند $۰/۳۱۷$ درصد از تغییرات درونی متغیر وابسته یعنی مرجعیت آموزش را تبیین کنند.

جدول ۷. رگرسیون چندگانه و آماره‌های مرتبط با آن برای مرجعیت آموزش

معناداری Sig.	آزمون t	ضریب معیارشده Beta	ضریب معیارنشده		متغیر پیش‌بین	وابسته
			خطای معیار	B		
۰/۰۰۰	۸/۰۵	۰/۴۶۴	۰/۰۹	۰/۷۹۵	گرایش به نوگرایی	گروه مرجع آموزشی
۰/۰۰۱	۳/۴۵	۰/۱۹۹	۰/۰۸	۰/۲۸۴	تغییر مناسک دینی	
مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی و برازش رگرسیون چندگانه						
مقدار	معادل لاتین	نام شاخص	مقدار	معادل لاتین	نام شاخص	
۱۱/۱۸۱	Constant	مقدار ثابت	۵۴/۱۰۸	F	تحلیل واریانس	
۱/۶۰۷	Durbin-Watson	دوربین واتسون	۰/۰۰۰	Sig. F	معناداری واریانس	
۰/۳۱۷	R-Square	ضریب تعیین	۰/۵۶۳	R	همبستگی پیرسون	
۱/۱۳۱	VIF	شاخص عامل تورم واریانس	۰/۸۸۴	Tolerance	شاخص تحمل	

نتیجه‌گیری

گروه‌های مرجع یکی از مهم‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی هستند که ارزش‌ها، هنجارها، افکار و رفتارهای فردی ما را در ارتباط با گروه‌ها و به‌طور کلی جامعه شکل داده و مبنا و معیار قضاوت و ارزیابی کنشگران اجتماعی قرار می‌گیرند. تحولات ساختاری ایجادشده در جوامع باعث شده که نوعی تغییر در گروه‌های مرجع نسل جدید نسبت به نسل پیشین به وجود آید که این مسئله پیامدهای نامطلوبی نظیر بحران‌های هویتی جوانان، کج‌روی‌های اجتماعی، کاهش پابندی‌های اجتماعی و شکل‌گیری گروه‌های نامأنوس با فرهنگ جامعه به همراه خواهد داشت. براین اساس، هدف اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تغییرات بین‌نسلی گروه‌های مرجع آموزشی و دینی بود.

براساس یافته‌های پژوهش سن ($r=0/086$)، میزان درآمد ($r=0/972$)، گرایش به نوگرایی ($r=0/112$)، تغییر مناسک دینی ($r=0/230$)، مهاجرت ($r=0/783$) و استفاده از رسانه‌های جمعی ($r=0/198$) دارای رابطه معنادار با گروه مرجع آموزشی هستند. همچنین سن ($r=0/088$)، میزان تحصیلات ($r=0/229$)، میزان درآمد ($r=0/271$)، تغییر مناسک دینی ($r=0/557$) و استفاده از رسانه‌های جمعی ($r=0/030$) با گروه مرجع دینی دارای رابطه معنادار هستند.

این نتایج تاحدودی با پیشینه تجربی تحقیق هم‌راستا است. یافته‌های این پژوهش در مورد رابطه معناداری بین سن و میزان تحصیلات با گروه‌های مرجع با پژوهش ترکی و احمدی‌شکوه (۱۳۹۷) تاحدودی هم‌راستا است. افزایش تحصیلات باعث می‌شود که فرد در معرض ارتباط بیشتر با گروه‌های دیگر قرار گیرد و گروه‌های غیرعضویت و متنوع‌تر را به‌عنوان گروه عضویت انتخاب کند.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که میزان نوگرایی با تغییر در گروه‌های مرجع ارتباط معناداری دارد. این نتیجه با مطالعات شیرین‌بیان (۱۳۹۰) و ملکی‌دوآبی (۱۳۹۱) همسو است. نوجوانان و جوانان الگوپذیر هستند، اما نباید نقش تأثیرگذار آن‌ها را در جامعه فراموش کرد. آن‌ها الگوهایی را انتخاب و سپس شروع به گسترش دیدگاه‌های تازه می‌کنند و این همان چیزی است که باعث حرکت رو به جلو و تغییر جوامع در طول تاریخ شده است.

عامل دیگری که تأثیر معناداری بر تغییر در گروه‌های مرجع دارد، تغییر مناسک دینی و باورهای مذهبی است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که با تغییرات ایجادشده در باورهای دینی افراد، میزان تغییر در گروه‌های مرجع نیز افزایش پیدا می‌کند. این نتیجه با پژوهش‌های ترکی و احمدی‌شکوه (۱۳۹۷)، ادهمی و همکاران (۱۳۹۶)، اشتاینباخ و سیلوراستاین (۲۰۱۹)، جاکوب و کالتر (۲۰۱۳) و رابرتس و همکاران (۲۰۰۱) همسو است. افراد دیندار به گروه‌های مرجع خودی بیشتر پایبند هستند؛ یعنی دینداری و تعلقات دینداری باعث می‌شود که به گروه‌های مرجعی که مورداعتماد است، بیشتر تمایل پیدا کنیم.

نتایج حاصل از مهاجرت‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت باعث تغییرات در

گروه‌های مرجع شده‌است. این نتیجه با نتایج مطالعات جاکوب و کالتر (۲۰۱۳) همسو است. متغیر دیگری که در تغییرات گروه‌های مرجع تأثیر معناداری دارد، سن پاسخگویان است. با افزایش سن افراد، تغییر در گروه‌های مرجع بیشتر خواهد شد. این نتیجه با نتایج مطالعات ترکی و احمدی شکوه (۱۳۹۷) و شیرین بیان (۱۳۹۰) همسو است. عموماً گروه‌های مرجع نوجوانان با جوانان و سالخورده‌ها متفاوت هستند. نسل سوم انقلاب به دنبال یک نوع سنتز و ترکیب جدیدی از سنت و تجدد یا به عبارتی تفسیر جدیدی از سنت در جهان امروز است که ریشه در همان سنتزهای قبلی دارد؛ ولی آنچه این نسل را در رسیدن به این مقصود و سنتز حیران ساخته، از سویی ریزش سیل وار اطلاعات دست‌کاری‌شده توسط رسانه‌هایی مثل ماهواره‌ها و اینترنت در سطح جهانی و از سوی دیگر نبود افراد متفکر برای جامه عمل پوشاندن به این سنتز است. نسل سوم انقلاب، امروزه در پی آن است که از سنت‌های خود، تفسیری دقیق و جهان‌فهم ارائه دهد؛ به طوری که در بستر رسانه‌های جهانی نیز قابل‌لدرک باشد. بین میزان درآمد و تغییر در گروه‌های مرجع نیز رابطه وجود دارد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که تغییرات در میزان درآمدی افراد می‌تواند نوع انتخاب گروه‌های مرجع را تحت تأثیر قرار دهد. این نتیجه با نتایج مطالعات شیرین بیان (۱۳۹۰) و لایتس و راموس (۲۰۱۹) همسو است.

یکی از متغیرهای اصلی که منجر به افزایش تغییر در گروه‌های مرجع می‌شود، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی است. این نتیجه با نتایج مطالعات کنعانی و همکاران (۱۳۹۸)، ترکی و احمدی شکوه (۱۳۹۷)، ادهمی و همکاران (۱۳۹۶)، حاتمی و همکاران (۱۳۹۵)، ملکی دوآبی (۱۳۹۱) و شیرین بیان (۱۳۹۰) همسو است. رسانه‌های جمعی با ارائه الگوهای متعدد و گوناگون، بستری برای تغییر سریع و تنوع‌طلبی در گروه‌های مرجع را به خصوص برای نسل جوان فراهم می‌کنند. گرچه میزان تأثیرپذیری از رسانه‌های جمعی دقیقاً مشخص نیست اما این رسانه‌ها از طریق انتقال انواع اطلاعات و تصاویر، عمیقاً شیوه زندگی مردم [از جمله تغییر در گروه مرجع] را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدون شک فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و به خصوص نوارهای ویدئویی، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری افکار جوانان

دارند و طبعاً در زمینه گرایش جوانان به تغییر در گروه‌های مرجع نیز بی‌تأثیر نیستند. برخی رسانه‌های جمعی داخلی نیز در راستای مطرح کردن الگوهای غربی حرکت می‌کنند. از آنجا که برای این گونه رسانه‌ها، شهرت چهره‌های ورزشی و هنری غرب، عاملی برای مطرح ساختن آن‌هاست، شاهد هستیم که کسانی، به صرف مطرح شدن در تبلیغات غرب، از سوی جریان داخلی مذکور مورد توجه قرار گرفته و در روند مرجعیت‌شان برای جوانان به آن‌ها متمسک می‌شوند.

نتایج این پژوهش می‌تواند در اختیار نهادهای دینی و آموزشی از جمله آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان ملی جوانان و ... قرار گیرد.

در این راستا پیشنهادهای زیر قابل‌ارائه هستند:

۱- باتوجه به اینکه قدرت در خانواده یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییر گروه‌های مرجع است، بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیریت در خانواده متناسب با ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه انجام گیرد و الگوهای نسل‌های جوان توسط بانیان فرهنگی و اجتماعی در جامعه مدیریت و هدایت شوند.

۲- باتوجه به اینکه میزان روابط اجتماعی در خانواده یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییر گروه‌های مرجع است، بنابراین پیشنهاد می‌شود روابط درون‌خانوادگی باتوجه به شرایط حاکم بر رفتارهای اجتماعی و بستر جامعه‌پذیری آن‌ها مشارکتی باشد و نسل‌های سوم در مدیریت خانواده مشارکت داده شوند.

۳- باتوجه به اینکه تغییر مناسک دینی یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییر گروه‌های مرجع است، بنابراین پیشنهاد می‌شود، تبیین مسائل دینی با استفاده از کاراترین ابزارهای موردقبول جوانان گروه‌های مرجع ارائه شوند به نحوی که در عمل این گروه‌ها بتوانند خود را به زندگی نسل جدید، نزدیک و سازگار کنند.

۴- باتوجه به اینکه تحصیلات یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییر گروه‌های مرجع است، بنابراین پیشنهاد می‌شود از افراد آگاه و دانا بر شرایط حاکم برای تعریف الگوهای مرجع و معرفی آن‌ها استفاده به عمل آید.

منابع و ماخذ

- ادهمی، جمال؛ احمدی، یعقوب؛ و جعفری، ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی ترجیحات بین‌نسلی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر سنندج. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۵۶. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۳). *رابطه بین‌نسلی در خانواده ایرانی*. تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- اینگلهارت، رونالد و آبرامسون، پلی. (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی (ترجمه شهناز شفیعی خانی). *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ۱۴، ۵۹-۱۰۶. برگر، پیتر و لوکمان، تامس. (۱۳۸۷). *ساخت اجتماعی واقعیت (ترجمه فریبرز مجیدی)*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ترکی، روح الله و احمدی‌شکوه، علی. (۱۳۹۷). شکاف نسلی و عوامل تأثیرگذار درمیان دانش‌آموزان آموزشگاه‌های زبان انگلیسی منطقه جنوب‌شرقی تهران. *فصلنامه پژوهش ملل*، ۳۴، ۱۰۵-۱۱۸.
- حاتمی، محمدرضا؛ قادری، علی و جمشیدی، علی. (۱۳۹۵). بررسی روند تغییرات نگرشی نسل سوم در زمینه گروه‌های مرجع در دهه ۱۳۸۰. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۶(۳)، ۲۵-۴۲.
- دوچ، موتون و کراوس، روبرت. (۱۳۹۵). *نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی*، (ترجمه مرتضی کتبی). تهران: دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۲). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: اطلاعات.
- شیرین‌بیان، اعظم؛ فتحی، سروش و پیراهری، نیر. (۱۳۹۴). شکاف نسلی در ایران (مورد مطالعه خانواده‌های شهر گرمسار). *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۸(۲۹)، ۱۲۵-۱۵۱.
- صدیقی سروسستانی، رحمت‌اله و هاشمی، سیدضیا. (۱۳۸۱). گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۵۰.
- کنعانی، محمدامین؛ موسوی، سیدهاشم و بیگزاده، زهرا. (۱۳۹۸). رسانه به‌منابه ابژه نسلی: بررسی نقش مصرف رسانه بر هویت نسلی. *پژوهش‌های راهبردی مسائل*

- اجتماعی ایران، ۸(۳)، ۳۵-۵۶.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۹۲). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: علمی.
- مانهایم، کارل. (۱۳۸۰). ایدئولوژی و اتوپیا: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت، (ترجمه فریبرز مجیدی). تهران: سمت.
- ملکی‌دوآبی، فاطمه. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر نگرش دانشجویان به پدیده نوگرایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی چرایی دگرگونی‌های گروه مرجع در بین دانشجویان. فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۶(۱)، ۱۷-۴۴.

- Dawson, E. M., & Chatman, E. A. (2001). Reference group theory with implications for information studies: a theoretical essay. *Information Research*, 6(3), 6-3.
- Hyman, H. H., & Singer, E. (1968). *Readings in reference group theory and research*. New York: Free Press.
- Jacob, K., & Kalter, F. (2013). Intergenerational change in religious salience among immigrant families in four European countries. *International Migration*, 51(3), 38-56.
- Kolland, F. (1994). Contrasting cultural profiles between generations: Interests and common activities in three intrafamilial generations. *Ageing & Society*, 14(3), 319-340.
- Lasierra, J. M. (2019). Generational differences in work in Spain. A review. *Revista Brasileira de Gestão de Negócios*, 21(4), 953-969.
- Merton, R. K., & Merton, R. C. (1968). *Social theory and social structure*. New York: Simon and Schuster.
- Newcomb, T. M. (1958). Attitude development as a function of reference groups: The Bennington study. *Readings in social psychology*, 265-275.
- Rempel, F. W. (1963). *The role of value in Karl Mannheim's sociology of knowledge*. Boston : Doctoral dissertation, Boston University.
- Steinbach, A., & Silverstein, M. (2020). The Relationship Between Religion and Intergenerational Solidarity in Eastern and Western Germany. *Journal of Family Issues*, 41(1), 109-130.
- Turner, B. S. (2006). *The Cambridge Dictionary of Sociology*. Cambridge : Cambridge university press.

References

- Adhami, J., Ahmadi, Y., Jafari, E. (2017). Study the Intergenerational value preferences in Sanandaj and measures its effective social factors. *Quarterly Journal of Social Sciences*. 78: 117 - 156. (In Persian)
- Azadarmaki, T (2004). *Intergenerational Relationship in the Iranian Family*, Iranian Social Issues Collection, Tehran: Sociological Association of Iran. (In Persian)
- Berger, P. & Luckman, T. (2008). *The Social construction of reality: a treatise in the Sociology of Knowledge*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Coser, L (2013). *Life and Thought of Sociological Elders*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Scientific.(In Persian)
- Dawson, E. M., & Chatman, E. A. (2001). Reference group theory with implications for information studies: a theoretical essay. *Information Research*, 6(3), 6-3.
- Deutsch, M & Krauss, R (2015). *Theory in Social Psychology*, translated by Morteza Katabi, Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Hatami, M., Ghaderi, A & Jamshidi, A. (2016). The analysis trend of third generation attitude changes in the field of reference groups in the 2001s. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*. 3(6): 25-42. (In Persian)
- Hezar Jaribi, J & Safari Shally, R. (2016). The Analysis of Resource Group Changes among Students. *Culture in the Islamic university* 6(18): 17-44. (In Persian)
- Hyman, H. H., & Singer, E. (1968). *Readings in reference group theory and research*. New YORK: Free press.
- Inglehart, R., & Abramson, P. R. (1999). *Economic security and value change*.

- Translated by Shahnaz Shafi'khani. *Cultur-Communication Studies* (14): 59-106. (In Persian)
- Jacob, K., & Kalter, F. (2013). Intergenerational change in religious salience among immigrant families in four European countries. *International Migration*, 51(3), 38-56.
- Kanani, M.A., Mousavi, S.H & Beygzadeh, Z (2020). Media as a Generational Object: Investigating the Role of Media Consumption on Generational Identity. 8(3): 35-56. (In Persian)
- Kolland, F. (1994). Contrasting cultural profiles between generations: Interests and common activities in three intrafamilial generations. *Ageing & Society*, 14(3), 319-340.
- Kuper, A. (Ed.). (2013). *The social science encyclopedia*. Routledge.
- Lasierra, J. M. (2019). Generational differences in work in Spain. A review. *Revista Brasileira de Gestão de Negócios*, 21(4), 953-969.
- Maleki Doabi, F (1391). A Study of Social Factors Affecting Students' Attitudes Towards the Phenomenon of Modernity, M.Sc. Thesis, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University (In Persian)
- Mannheim, K (2001). *Ideology and Utopia, An Introduction to the Sociology of Cognition*, Translated by Fariborz Majidi, Tehran: Samat..(In Persian)
- Merton, R. K. (1968). *Social Theory and social Structure*. New York: Glencoc, IL: Frce Prcss.
- Newcomb, T. M. (1958). Attitude development as a function of reference groups: The Bennington study. *Readings in social psychology*, 265-275.
- Rempel, F. W. (1963). *The role of value in Karl Mannheim's sociology of knowledge* (Doctoral dissertation, Boston University).
- Ritzer, G (2003). *Sociological theories in the contemporary era*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Elmi. (In Persian)
- Roberts, A. E., Koch, J. R., & Johnson, D. P. (2001). Religious reference groups and the persistence of normative behavior: An empirical test. *Sociological Spectrum*, 21(1), 81-98.
- Ruhollah, T & AhmadiShokouh, A. (2018). Generation Gap and Effective Factors among the Students in English Language Institutions (A case study in Southeast of Tehran). *International Journal of Nations Research*. 3(34): 105-118. (In Persian)

- Sarukhani, B (1999). *Sociology of Communication*, Tehran: Information. (In Persian)
- Sedigh servestani, R & Hashemi, s.z (2003). Reference Groups in sociology and social psychology, with a focus on Theories Advanced by Merton and Festinger. *Nameh-ye Olum-e Ejtemai*. 20: 149-167. (In Persian)
- Shirinbayan, A., Fathi, S., Pirahere, N. (2016). The Role of Religion social cohesion among citizens in Tehran. *Journal of Social Research*. 8(29): 125-151. (In Persian)
- Steinbach, A., & Silverstein, M. (2020). The Relationship Between Religion and Intergenerational Solidarity in Eastern and Western Germany. *Journal of Family Issues*, 41(1), 109-130.
- Turner, B. S. (2006). *The Cambridge dictionary of sociology*, Cambridge university press.